

RY) OF THE COMPUTER SYSTEM OR COMPUTER SYSTEM
MICROSOFT SOFTWARE PRODUCT(S) IDENTIFIED ABOVE
PRODUCT IS NOT ACCOMPANIED BY A NEW COMPUTER
USE OR COPY THE SOFTWARE PRODUCT, THE SOFTWARE
DUPLICATE ASSOCIATED PRINTED MATERIALS, AND "ONLINE
PROVIDED ALONG WITH THE SOFTWARE PRODUCT THAT IS
LICENSED TO YOU UNDER THE TERMS OF THAT
ACCESSING OR OTHERWISE USING THE SOFTWARE
IF YOU DO NOT AGREE TO THE TERMS OF THIS
UNWILLING TO LICENSE THE SOFTWARE PRODUCT
SOFTWARE PRODUCT, AND YOU SHOULD PROMPTLY CONTACT
MICROSOFT LICENSING INC. ("MS") ARE IN WILLING

سلطه کتاب‌های انگلیسی زبان بر جهان نشر

نمایشگاه سالانه کتاب فرانکفورت که در نوع خود بزرگ‌ترین در دنیاست، به روشنی نشان می‌دهد که کتاب‌هایی که در اصل به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند به تدریج جای تألیفات زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر را می‌گیرند. شرکت‌های عظیم و بین‌المللی انتشاراتی، تقاضای زیاد کتاب در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و کاهش فروش، تنوع منابع خواندنی در دسترس را محدود می‌کنند.

پی‌یر لوپ
ترجمه کتابیون خلیلی

رشد سالانه دارد، که بر روی هم ۴۰٪ فروش کتاب حال حاضر آمریکا را تشکیل می‌دهد.
فروشگاه‌های عظیم و خدمات فروش اینترنتی سه زنجیره بزرگ Borders, Barnes and Nobles و Book-a-Million به تدریج جای کتاب‌فروشی‌های مستقل را گرفته‌اند. این فروشگاه‌های زنجیره‌ای با معاملاتی به ارزش هشت میلیارد دلار و با امتناع از خرید و انبار کتاب‌هایی که به باور آن‌ها فروش کافی نخواهد داشت، دریافت هزینه برای جایگاه ویژه در ویرین و محل عرضه کتاب در فروشگاه، و بازگرداندن کتاب‌هایی که به سرعت به فروش نمی‌روند یا بازنتاب خیری چندانی ندارند، قدرت زیادی بر ناشران اعمال می‌کنند.
صرف‌نظر از چند انتشارات دانشگاهی و شبکه اتحادیه کتاب آمریکا به ۱۲۰۰ کتاب‌فروشی مستقل، در قفسه‌های فروشگاه‌های آمریکایی جای چندانی برای کتاب‌های کم‌فروش یا خارجی باقی نمانده است. هزینه ترجمه و گرانی غیرقابل تصور برنامه‌های تبلیغاتی لازم برای کتاب‌های خارجی، آن‌ها را در جایگاه نامطلوبی قرار می‌دهد. این امر بعضی ناشران را برانگیخته است تا آثار ترجمه‌شده را بدون در نظر گرفتن حق مترجم و به‌عنوان کارهای داخلی به بازار عرضه کنند. سال‌هاست که هیچ ترجمه‌ای در هیچ زمینه‌ای جایی در فهرست پرفروش‌های ایالات متحده نداشته است. این نکته در مورد بریتانیا هم صدق می‌کند، جایی که نماینده‌های انتشاراتی تمام تلاش خود را متوجه بالا بردن شهرت بین‌المللی و درآمد معدود مؤلفان موفقی می‌کنند که اغلب آن‌ها بیش‌تر شخصیت‌هایی معروف هستند تا

خود را به آمریکایی‌ها بفروشنند، یا خریداری از بین ناشران بریتانیایی پیدا کنند و اولین گام را به سوی بهشت بازار ایالات متحده بردارند.
آن‌ها همه می‌دانند که این امیدی واهی است. از چهارده هزار عنوان کتابی که هر سال در بریتانیا چاپ می‌شود (دو برابر تیراژ سالانه کتاب در فرانسه) فقط سه درصدشان ترجمه است. این آمار در آمریکا فقط ۲۸ درصد است. و فروش حق چاپ و تکثیر کتاب در ایالات متحده، که همیشه نازل و شاید فقط چندصد دلار است، تضمینی برای عرضه کتاب در بازار آمریکا به حساب نمی‌آید. نشر و فروش کتاب کاری بسیار متمرکز شده است، و انتظار تولید سریع درآمد از آن، بالا گرفته است. این شرایط، موقعیت کتاب را کاملاً دگرگون کرده است، و اکنون کتاب صرفاً کالای دیگری تصور می‌شود که باید از معیارهای متداول مدیریت صنعتی و سوددهی مالی پیروی کند.
اخراج آن گاداف در سال ۲۰۰۲، از ریاست رندم هاوز، بزرگ‌ترین ناشر آمریکا، ماهیت نظم جدید را بی‌پرده به نمایش می‌گذارد. برتلزمان، غول آلمانی و بزرگ‌ترین مؤسسه رسانه‌ای دنیا پس از تایم وارنر، در سال ۱۹۹۹ رندم هاوز را خرید. گاداف در مقام سردبیر، سیاست‌های انقلابی نداشت، اما تلاش می‌کرد بین پرفروش‌های تجاری که به بالاترین قیمت‌ها خریده، تبلیغ و عرضه می‌شدند و عناوین کمی روشنفکرانه‌تر که مناسب شهرت ادبی رندم هاوز باشند، تعادلی برقرار کند. اما پتر اولسن نماینده آمریکایی برتلزمان از تمام نمایندگی‌های این مؤسسه در ایالات متحده انتظار ۱۵٪ حاشیه سود و ۱۰٪

هر اکتبر در نمایشگاه بین‌المللی اروپا در فرانکفورت، جهان غیر غربی با سرعت فزاینده‌ای جایگاه خود را از دست می‌دهد. حتی اروپای قاره‌ای [قاره اروپا به‌جز بریتانیا] برای حفظ صنعت انتشارات خود در بازاری که تحت تسلط زبان انگلیسی است، با مشکل روبه‌روست. در نمایشگاه کتاب فرانکفورت، شش هزار نفر از نمایندگان حرفه نشر از صد و پانزده کشور در مهم‌ترین تاریخ تقویم ادبیاتی گرد هم جمع می‌شوند و حقوق ترجمه و تکثیر تقریباً هر نوع کتابی را به خرید و فروش می‌گذارند. هم‌ساله حدود چهارصد هزار اثر چاپ‌شده که بیش از صد هزار عنوان آن‌ها جدید هستند، به معرض نمایش گذاشته می‌شوند.
اما نمایشگاه بزرگ فرانکفورت نمی‌تواند دو مشکل مؤلفان، فروشندگان و خوانندگان کتاب در سراسر جهان را از نظر پنهان کند. کاهش چشمگیر نشر در کشورهای فقیرتر (که شامل بیش‌تر کشورهای بلوک شوروی سابق هم می‌شود) را در غرفه‌های کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای جنوبی می‌توان دید، که دائماً کوچک‌تر و از مرکز نمایشگاه دورتر می‌شود. هر سال ناشران کم‌تری از این کشورها در نمایشگاه حاضر می‌شوند، و آن تعدادی که حضور دارند، کم‌تر مورد توجه خریداران قرار می‌گیرند. و [نمایشگاه] فرانکفورت بازتابی است از تشدید جریان یک‌سویه تجارت کتاب بین ایالات متحده و دنیاگوش بریتانیا با سایر کشورهای جهان غرب، ناشران فرانسوی، اسپانیایی، ایتالیایی و آلمانی، همه با یک روایی واحد و تقریباً محال به نمایشگاه می‌آیند: آن‌ها می‌خواهند به هر قیمتی - هر چند مسخره - شده کتاب

A SINGLE ENTITY AND THE MANUFACTURER (MANUFACTURER COMPONENT ("HARDWARE") WITH WHICH YOU ACQUIRED ("SOFTWARE PRODUCT" OR "SOFTWARE") IF THE SOFTWARE...

SYSTEMS PROGRAMS ASSOCIATED TO MANAGE THE ACCOUNTING OF WORK AND FILES. MULTIPLE CONCEPTS COMBINED AS A SERIES OF USER ACCESSORIES PURITY UTILITIES PERFORM THE...

امیرالیسم فرهنگی از سینما، موسیقی روز و تلویزیون فراتر رفته است. کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان انگلیسی، موفقیت عظیمی در ایتالیا و اسپانیا داشته‌اند، و نیز به میزان چشمگیری در فرانسه و آلمان راه یافته‌اند

جسورانه او را با مدیریت جانفاده‌تر گوئر تیلن جایگزین کند.

در اسپانیا، تولید بیش از حد به بحران دامن زد. بیش از شصت‌هزار عنوان در سال ۲۰۰۱ منتشر شده، اما با بی‌علاقه شدن مردم به مطالعه، فروش همچنان به سیر نزولی خود ادامه داد. در سال ۲۰۰۲ شمار بزرگسالانی که یک جلد کتاب خریدند کم‌تر از ۵۰٪ بود. این امر منجر به ادغام مؤسسات، افزونگی‌ها و مشکلات کپی‌رایت شده است. شبکه کتاب‌فروشی‌های اسپانیا کوچک و کوچک‌تر شده است، البته تسلط فروشگاه‌های عظیمی مانند Fnac و El Corte Ingles در بازار، در این موضوع بی‌تأثیر نبوده است. مارینا برلوسکنی مدیر بزرگ‌ترین انتشارات ایتالیا یعنی موندادوری؛ همچنین دختر نخست‌وزیر سیلیویو برلوسکنی و قائم‌مقام شرکت پدرش یعنی فینین وست است. کتاب‌فروشی‌ها و ناشران خرده‌پا هدف حمله مستقیم برنامه‌های تبلیغاتی مطبوعات روزانه به پیش‌فراولی لاریویلیکا هستند، که این روزنامه خود از ابواب جمعی موندادوری است، گرچه تا حدی موضع انتقادی خود در قبال دولت برلوسکنی را حفظ کرده است. لاریویلیکا و دیگر جراید روزانه مطرح، سال‌هاست که هفته‌ای یک کتاب را برای فروش به‌عنوان ضمیمه ویژه روزنامه و به مبلغ نازل چهار پوند عرضه می‌کنند.

این رویه برای برخی موفقیت عظیمی به دنبال داشته است. روزنامه‌ها گاه تیراژ خود را در روز ضمیمه ویژه دو برابر برده‌اند، ناظران از حق چاپ کتاب پول هنگفتی به جیب زده و چند مؤلف در قید حیاتی که کتاب‌هایشان به این منظور برگزیده شده‌اند از تبلیغات گسترده‌ای به سود خود بهره‌مند شده‌اند و شاهد فروش نیم‌میلیون نسخه‌ای کتاب‌هایشان در یک روز توزیع بوده‌اند. اما همین تجربه تلخی برای کتاب‌فروشی‌هایی بوده است که فروش‌شان تا ۱۰٪ پایین آمده است، ناشران خرده‌پایی که جایی در این برنامه تبلیغاتی ندارند، و خود کتاب که ارزشش را تا حد یک هدیه تبلیغاتی از دست داده است.

پی‌یر لوپ (Pierre Lepape)، نویسنده و منتقد؛ آخرین کتاب او، کشور ادبیات، (انتشارات Seuil، پاریس، ۲۰۰۳) است.

۱. برگرفته از گزارش وزارت امور خارجه، ژوئن ۲۰۰۳.
۲. Livres-Hebdo، پاریس، ۱۰ مارس ۲۰۰۳.
۳. Livres-Hebdo، پاریس، ۲ می ۲۰۰۳.
۴. Livres-Hebdo، پاریس، ۳۰ ژانویه ۲۰۰۴.
۵. Buch report، برلین، آوریل ۲۰۰۳.
۶. Livres-Hebdo، پاریس، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۳.

● Beat Generation یکی از جنبش‌های ادبی است که از ابتدای دهه ۱۹۵۰ توسط گروهی از نویسندگان جوان شکل گرفت. این نویسندگان رویکردی بی‌قیدوبند و کاملاً تازه به ادبیات و موقعیت اجتماعی روز داشتند. ▶

بر روی پر سودترین زمینه‌های بازار جهانی است. قسمت کتاب‌های انگلیسی‌زبان، که هر نوشته‌ای که چشم به بازارهای جهانی داشته باشد باید را خود را از آن جابجاید، در بالاترین مکان فهرست جای دارد. یک مؤلف ممکن است جایزه نوبل را ببرد و کارش به سی زبان ترجمه شود، اما تا زمانی که نسخه‌های متعدد کتاب او روی میزی در محل مشخصی از فروشگاه‌های عظیم Barnes and Nobles روی هم چیده نشوند، بخشی از ادبیات جهانی به حساب نخواهد آمد.

نظریه پردازان به این دورنمای انتشارات بین‌المللی با دید مثبت نگاه می‌کنند، و مدعی هستند که این شرایط به معیارهای مهم تجارت آزاد، رقابت بی‌قید و شرط ایده‌پروران، و بازار آزادی که تماماً بر اساس تقاضا اداره می‌شود، اجازه تحقق می‌دهد. هر نویسنده، سردبیر، ناشر یا هر دست‌اندرکار فرهنگی باید تقاضای عامه خوانندگان را بررسی، تفسیر و برآورده کند، و به‌طور مداوم خود را با تغییرات آن وفق دهد. برخی، اقتصاد جدید انتشارات را الگویی از سرمایه‌داری نئولیبرال و جهانی شده می‌دانند. کارگران فکری یا به عبارت دیگر نویسندگان، موقعیت‌های نابرابر و نامطمئن دارند. به‌نظر می‌رسد که خلاقیت و تحرک‌پذیری در محیطی بار می‌دهد که معیارهای اصولی رقابت‌پذیری و هماهنگی در آن غالب باشند. سردبیر کتاب، نماینده تجاری یک شرکت تازه‌تأسیس با همان مؤلف است، کسی که امکان موفقیت شرکت را در بازاری ارزیابی می‌کند که هنوز دستخوش چندگانگی و تقسیمات زبانی و فرهنگی، و در مسیر توسعه با مشکل مواجه است.

این الگوی کارآمدی نیست. طرفداران آن می‌توانند از انحطاط صنعت نشر در کشورهای فقیرتر به‌عنوان زبانی دو جانبه بگذرند، اما نمی‌توانند بحران ایالات متحده و اروپا را نادیده بگیرند. بعدی از بحران ایالات متحده که بیش‌ترین توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کند، تصاحب انبوه مؤسسات این کشور توسط کارگزاران خارجی در پایان قرن بیستم بود. برترزمان بزرگ‌ترین نمونه شماری از این موارد واگذاری مالکیت بود که طی آن شرکت‌های سوئدی، ژاپنی و فرانسوی راه خود را در درون ایالات متحده خریدند (اگرچه از آن زمان Hachette and Vivendi Universal فرانسوی ناچار به فروش مؤسسه خود شده است). مشکل اساسی، سلامت بنیادی بازاری است که در بهترین حالت راکد است و تنها به کمک تعداد همیشه‌رو به تقلیلی از عناوین جدید ورده‌بالا مثل هری پاتر جدید یا خاطرات هیلاری کلینتون (و به مدت خیلی محدود، خاطرات شوهرش) از سقوط کامل احتراز می‌کند.

اوضاع در اروپا چندان بهتر نیست. در آلمان، ارزش معاملات چهار ناشر عمده بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ بین ۳۳۴ تا ۱۷۲ کاهش داشت. برترزمان که بزرگ‌ترین این ناشران است به‌طور آشکار در موقعیت بحرانی قرار دارد. این غول چندرسانه‌ای ناامیدانه تلاش می‌کند قروض خود را (بیش از یک میلیون یورو) کم، و روند کاهش درآمد و تضعیف تسلط خود را در بخش‌های مختلف بازار متوقف کند. راینهارد مونه، مؤسس برترزمان که هم‌اکنون هشتادویک سال دارد، به‌ناچار به بازنشستگی خود پایان داد تا مدیرعامل جدید مؤسسه، توماس میدلهوفر، را اخراج و برنامه‌های سازمانی نئولیبرال و

نویسنده‌گانی حرفه‌ای، درحالی که خوانندگان انگلیسی‌زبان جهان شاهد کاهش تعداد ناشران و کتاب‌فروشان بهتر هستند، زبان انگلیسی همچنان با موفقیت به فتح بازارهای خارجی به‌ویژه در اروپا ادامه می‌دهد. امیرالیسم فرهنگی از سینما، موسیقی روز و تلویزیون فراتر رفته است. کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان انگلیسی، موفقیت عظیمی در ایتالیا و اسپانیا داشته‌اند، و نیز به میزان چشمگیری در فرانسه و آلمان راه یافته‌اند - این به آن معنی نیست که خوانندگان اروپایی ادبیات جدیدی همچون ادبیات فاکتر و همینگوی را کشف کرده‌اند، یا از خواندن کتاب‌های هیجان‌انگیز درجه اول و یا روحیه آزادی‌بخش نویسندگان نسل سرکوب‌شده لذت برده‌اند. پرفروش‌های حال حاضر، به استثنای چند مورد، از فرمول خاصی پیروی می‌کنند و الگوهای شخصیتی مشابهی را به تصویر می‌کشند که ریشه در رویای آمریکایی و ارزش‌های آن دارند. این کتاب‌ها عناصر مکس، خوشونت، بی‌منطقی، وحشت و فردیت افراطی را به هنرمندان بلکه به‌شکلی مکانیکی و بی‌رویه به‌کار گرفته‌اند. این کتاب‌ها حرفه‌ای، ماهرانه و مؤثر هستند؛ آن‌ها فرهنگ، سندیّت یا بی‌طرفی ندارند.

صنعت رسانه و نشر اروپا و اغلب خوانندگان آن‌ها فقط مخالفت ناچیزی با وضعیت حاضر از خود نشان می‌دهند. فهرست پرفروش‌ترین‌ها همیشه قابل‌اعتمادترین معیار نیست، اما در واقع جریان‌های عمومی را به نمایش می‌گذارد. مؤلفان انگلیسی زبان به قدری در اسپانیا محبوبیت یافته‌اند که بعضی اوقات پنج رتبه اول فهرست پرفروش‌ها را اشغال می‌کنند. این وضعیت در ایتالیا نیز به‌طور محدودتری دیده می‌شود. آلمان هنوز بازترین بازار برای قبول انواع کتاب‌های داستانی و غیرداستانی است. در فهرست پرفروش‌های آلمان در ماه می ۲۰۰۳ نام‌هایی از قبیل اریک امانوئل اشمیت از فرانسه، پاتولو کوئیلو از برزیل، هینگ منکل از سوئد، والتر مورس از آلمان و البته جان گریهام دیده می‌شد. کتاب‌هایی با موضوعات ایالات متحده و اسلام، بدون طبقه‌بندی زبانی، از نوشته‌های چینی‌ای مایکل مورگرتنه تا تحلیل امانوئل ناد از قدرت ایالات متحده،^۲ فروش عمده‌بخش غیرداستانی را به خود اختصاص داده‌اند.

نویسندگان آلمانی برای دستیابی به طیف وسیع مخاطبان با دشواری روبه‌رو هستند. همتایان فرانسوی آن‌ها در موقعیت بهتری قرار دارند. با این‌که نویسندگان انگلیسی‌زبان، با جی.کی. رولینگ و کتاب‌های هری پاتر در صدر، در فهرست پرفروش‌ترین‌های ۲۰۰۳ در فرانسه جایگاه نافی دارند، شمار زیادی از کتاب‌های دیگر نیز در این فهرست سهیم هستند، کتاب‌هایی که نه‌تنها به زبان فرانسوی بلکه با سبک‌های کاملاً متفاوتی نوشته شده‌اند و به هر دلیلی نتوانسته‌اند جایی در فهرست به‌دست آورند. در سال ۲۰۰۳ کتاب‌های مارک لوی، ژان کریستف گرانز، اریک امانوئل اشمیت و املی نوتوم هر یک بیش از صدوینجاهزار نسخه فروش داشتند. آن‌چه در این فهرست‌ها فرانسوی نیست، از انگلیسی ترجمه شده است. تنها استثناها در فهرست پرفروش‌ترین‌های ۲۰۰۳ در فرانسه، پاتولو کوئیلو و امیرتو اگو بودند، ستارگان سرشناس دنیای ادبیات - عنوانی که هیچ ارتباطی با معیارهای ادبی یا زیبایی‌شناسی ندارد، و صرفاً منعکس‌کننده توانایی نویسنده یا کتاب در اثرگذاری

MICROPROCESSOR ARCHITECTURE, SUCH AS THE X86 ARCHITECTURE (VERSION(S)). YOU MAY INSTALL AND USE ONLY ONE COPY OF THIS SOFTWARE. SELECTION, MANUFACTURER MAY HAVE E...